



مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی

اقتصاد به زبان ساده

(شماره ۶)

اقتصاد مقاومتی

نوبه شده در

منازل اقتصادی

مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی

۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۹۵

## پیشگفتار

به منظور آشنایی هرچه بیشتر علاقمندان با مفاهیم اقتصادی و به‌کارگیری صحیح این موارد در تحلیل‌های اقتصادی محیط کسب‌وکار، ایده تهیه و ارائه بروشورهایی با عنوان "اقتصاد به زبان ساده" در معاونت اقتصادی اتاق ایران طرح گردید و توسط مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی به اجرا درآمد. نسخه پیش‌رو، ششمین خروجی این ایده می‌باشد و به منظور بهبود نسخه‌های بعدی، در انتها یک فرم ارزیابی تهیه و تنظیم گردیده است که خواهشمندیم فرم مذکور را تکمیل و از طریق دبیر کمیسیون خود یا آدرس ایمیل [research-center@iccim.ir](mailto:research-center@iccim.ir) مرکز تحقیقات را از نظرات ارزشمند خود آگاه سازید.

## مفهوم اقتصاد مقاومتی (تاب‌آوری اقتصادی)

مفهوم اقتصاد مقاومتی یا تاب‌آوری اقتصادی که ترجمه‌ای نه چندان گویا از Economic Resilience در زبان فارسی است، در واقع یک مفهوم بین‌المللی است که در بسیاری از لغتنامه‌ها با توانایی بازگشت سریع به حالت اولیه بر اثر شوک‌های خارجی تعبیر می‌گردد و در ادبیات اقتصادی، اقتصاد تاب‌آور یا اقتصاد مقاومتی با سه توانایی شامل قابلیت بازگشت به حالت اولیه بعد از وارد شدن شوک‌های خارج از سیستم، توانایی ایستادگی و مقابله در مقابل تکانها یعنی جذب شوک و سوم توانایی اجتناب از شوک تعریف می‌گردد. در حقیقت اقتصاد مقاومتی میزان توانایی اقتصاد برای بازگشتن به کارکرد عادی خود پس از مواجهه با تغییرات و شوک‌های اقتصادی است. به عبارت دیگر اگر شوکی به اقتصاد وارد شود و پس از آن اقتصاد بتواند به حالت قبلی خود برگردد، این نوع توانایی برای بازگشت، اقتصاد مقاومتی یا تاب‌آوری اقتصادی خوانده می‌شود.

نکته‌ای که در خصوص این مفهوم باید به آن توجه داشت این است که در اقتصادی که قدرت انعطاف وجود نداشته باشد، لطماتی که از ناحیه فرصت‌سوزی و تبدیل فرصت‌ها به تهدید به اقتصاد وارد می‌شود نباید مغفول بماند. اقتصادی که توان بهره‌گیری از فرصت‌های احتمالی را نداشته باشد، تهدیدها را هم به بحرانی جدی بدل خواهد ساخت. بنابراین اقتصاد تاب‌آور اقتصادی است که توانایی‌های لازم برای بهره‌مندی از فرصت‌ها و کاهش تبعات تهدیدهای پیش‌رو را داشته باشد. نکته حائز اهمیت آن است که در سطح بین‌المللی، پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی تنها بر



دوش یک نهاد خاص نمی‌باشد و مجموعه‌ای از اقدامات دولت، مردم و سایر سازمان‌ها و نهادهای در این امر دخیل است.

## دلیل پیدایش مفهوم اقتصاد مقاومتی

همه کشورهای دنیا چه توسعه یافته و چه در حال توسعه با پدیده‌ای به نام شوک‌های برونزا روبه‌رو هستند که با فرآیند جهانی‌شدن، تبعات و گستردگی این شوک‌ها برای اقتصادهای جهان افزایش یافته است. شوک‌های برونزا در ذات خود هم می‌توانند تهدید باشند و هم فرصت‌های بالقوه‌ای را به همراه داشته باشند. اقتصاددانان توسعه، زمانی که هزینه‌ها و دستاوردهای شوک‌های برونزا را در مقیاس کشورهای جهان مورد اندازه‌گیری قرار دادند، مشاهده کردند که میزان استفاده از فرصت‌های ناشی از این شوک‌ها و مهار تهدیدهای پیش‌رو، بیش از هر چیز تابعی از میزان توانایی دولت‌ها در واکنش مناسب و به موقع در برابر این شوک‌ها بوده است. کشورهایی که قدرت انعطاف بیشتری دارند، می‌توانند واکنش مناسب و به موقع در برابر تغییرات نشان دهند و از تهدیدهای احتمالی، فرصت بسازند و بالعکس کشورهایی که این آمادگی را در خود ایجاد نکرده‌اند حتی فرصت‌های پیش‌رو را به راحتی به تهدید تبدیل می‌کنند. از همین‌رو متخصصان توسعه، قدرت انعطاف کشورها برای نشان دادن واکنش مناسب و به موقع را در قالب مفهوم جدیدی به نام (Economic) Resilience (مورد بررسی قرار دادند که معادل آن تاب‌آوری (اقتصادی) یا اقتصاد مقاومتی تعبیر می‌شود.

شوک‌های برونزا و تغییرات ناگهانی محور اصلی پیدایش مفهوم تاب‌آوری شدند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تغییرات سریع و پی‌درپی در تکنولوژی، بحران‌های مالی جهانی، بحران‌های محیط زیست و شوک‌های قیمتی انرژی اشاره نمود که کشورها با سطوح مختلف توسعه در مقابل این شوک‌ها واکنش‌های متفاوتی از خود نشان دادند.

## تفاوت میان اقتصاد مقاومتی و اقتصاد ریاضتی

درک نادرست از مفهوم اقتصاد مقاومتی در برخی موارد اذهان را به سمت و سوی اقتصاد ریاضتی سوق می‌دهد و جبهه‌گیری‌هایی در برابر آن صورت می‌گیرد. اما نکته حائز اهمیت آن است که این دو مفهوم به طور کلی با یکدیگر متفاوت هستند. در اقتصاد ریاضتی دولت‌ها

برای کاهش هزینه‌ها و رفع کسری بودجه، اقدام به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی، صرفه‌جویی در مخارج جاری کشور، کاهش هزینه‌های رفاهی و تعدیل کارمندان در بخش دولتی می‌نمایند. علی‌رغم اینکه دولت‌ها با اعمال برنامه‌های ریاضت اقتصادی و اهرم‌های عملیاتی آن به دنبال بهبود وضعیت کسری بودجه و اوضاع مالی خود هستند، اما در این نوع از اقتصاد، این امکان وجود دارد که کاهش برخی از هزینه‌های دولتی و نیز بالا بردن مالیات به کاهش تقاضای کل و رشد اقتصادی منجر می‌گردد. اما برخلاف اقتصاد ریاضتی، اقتصاد مقاومتی همانطور که اشاره شد به توانایی مقابله و ایستادگی در برابر تغییرات و شوک‌های وارد شده برمی‌گردد و علاوه بر حفظ رشد، ضامن پیشرفت و شکوفایی اقتصاد می‌شود.

### مثال در زمینه اقتصاد مقاومتی

مثال بارز در این خصوص را می‌توان در شوک‌های نفتی سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ دید؛ زمانی که قیمت نفت به یکباره افزایش بی‌سابقه یافت. این افزایش قیمت از یک طرف فرصتی را برای کشورهای صادرکننده نفت ایجاد کرد و از طرف دیگر مشکلاتی را برای واردکنندگان نفت به همراه داشت. اما نحوه مواجهه این دو گروه کشور در مقابل شوک برونزا بسیار جالب بود. کشورهای واردکننده نفت از این تهدید، برای خود فرصت آفریدند به نحوی که با درس گرفتن از تبعات افزایش قیمت نفت، اقدام به کاهش وابستگی صنایع و تولیدات خود به انرژی‌های فسیلی از طریق جایگزینی سایر انرژی‌های تجدیدپذیر و بالا بردن بهره‌وری صنایع انرژی‌بر نمودند و شدت انرژی در صنایع خود را طی سال‌های بعد از شوک نفتی به شدت کاهش دادند. در مقابل در کشورهای صادرکننده نفت، این فرصت تبدیل به تهدید شد و اثرات منفی این شوک به شکل بیماری هلندی در اقتصاد این کشورها نمایان گردید. این مثال نمونه بارزی از نحوه مواجهه اقتصادهای تاب‌آور و اقتصادهای شکننده با شوک‌های برونزا است که نتایج و تبعات آن نیز در این دو دسته کشور به روشنی نمایان است.

### برخی از نقاط آسیب‌پذیری اقتصاد

کشورها برای بررسی میزان و چگونگی اثرگذاری شوک‌های وارده به اقتصاد، لازم است که نقاط مستعد آسیب را شناسایی کنند. درحقیقت برخی از ویژگی‌های ذاتی و ساختاری اقتصاد

باعث می‌شوند که اقتصادها در معرض شوک‌های ناخواسته قرار بگیرند. از اینرو کشورها برای اینکه بتوانند بهترین عملکرد را در برابر مخاطرات و شوک‌های احتمالی داشته باشند، باید کانون‌های اصلی آسیب‌پذیری را شناسایی نمایند. کشورهای صنعتی با روشن ساختن کانون‌های اصلی آسیب‌پذیری خود، توانسته‌اند آمادگی‌های لازم را در خود ایجاد نمایند تا از فرصت‌های ناشی از شوک‌ها حداکثر استفاده را ببرند و تهدیدهای آن را نیز به حداقل برسانند. در ادامه به برخی از مشخصه‌های آسیب‌پذیری در کشورها اشاره شده است:

### ۱- درجه بالای باز بودن اقتصاد<sup>۱</sup>

هر اقتصادی تاحدی برای تأمین نیازهای خود ناچار به ارتباط با دنیای خارج است. درجه باز بودن اقتصاد از نسبت تجارت (مجموع صادرات و واردات) به تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید. این نسبت به طور متعارف در کشورهای پیشرفته بین ۳۰ تا ۶۰ درصد است درحالی‌که در کشورهای شرق آسیا و در آستانه بحران ۱۹۹۷، بیش از ۱۰۰ درصد هم بوده است. اگر میزان تولیدات یک کشور اندک باشد و طیف محدودی از کالاها را تولید کند، آنگاه برای تأمین سایر نیازهای خود باید به واردات کالاها و خدمات و یا واردات سرمایه روی بیاورد. درجه بالای باز بودن اقتصاد بدون پشتوانه تولیدی، می‌تواند کشور را به سوی شرایطی سوق دهد که قابل کنترل در برابر تکانه‌های خارجی نباشد؛ زیرا هرگونه اختلال خارجی در صادرات و واردات یا ورود و خروج سرمایه، امواج بزرگی در اقتصاد ایجاد خواهد کرد و می‌تواند اقتصاد را از تعادل خارج نماید. از طرف دیگر باز کردن درهای کشور بدون فراهم ساختن بسترها و برنامه‌ریزی‌های لازم و ساختارهای نهادی مشوق بخش تولید، می‌تواند تولید داخل را در معرض رقابت مخرب قرار دهد. لذا تصمیم‌گیری در خصوص میزان باز بودن اقتصاد باید با توجه به شرایط داخلی هر کشور صورت گیرد؛ زیرا درغیراینصورت می‌تواند تهدیداتی را به همراه داشته باشد.

### ۲- وابستگی به صادرات کالاها خاص و محدود بودن شرکای تجاری<sup>۲</sup>

وابستگی به صادرات تعداد محدودی کالا و محدود بودن شرکای تجاری، از دیگر آسیب‌پذیری‌های اقتصاد به شمار می‌رود و آن را در معرض شوک‌های ناشی از تحریم خرید کالا قرار می‌دهد. اگر یک کشور بیش از اندازه وابسته به صادرات یک محصول خاص باشد،

<sup>۱</sup> High Degree of Economic Openness

<sup>۲</sup> Export Concentration & Limited Trade Partners

هرگونه اختلال در صادرات آن محصول، منجر به ایجاد نقصان در تولید، اشتغال داخل و درآمدهای ارزی کشور خواهد شد. همچنین محدود بودن شرکای تجاری، منجر به افزایش ریسک تجارت بین‌الملل می‌گردد. لذا برای کاهش درجه آسیب‌پذیری اقتصاد لازم است که ایجاد تنوع در محصولات صادراتی و افزایش تعداد شرکای تجاری مورد توجه قرار گیرد.

### ۳- وابستگی به واردات کالاهاى استراتژیک<sup>۱</sup>

جنبه دیگر خطرپذیری اقتصاد، وابستگی آن به واردات کالاهاى استراتژیک برای تولید است زیرا چنانچه به هر دلیلی امکان تامین این کالاها وجود نداشته باشد، کشور وارد کننده این دسته از کالاها دچار شوک خواهد شد که نتیجه آن به صورت افزایش هزینه‌های تولید و کاهش تولید ناخالص ملی در کشور وارد کننده بروز می‌کند. نکته قابل توجه این است که اگر واردات کالاهاى سرمایه‌ای و استراتژیک فقط از طریق تعداد انگشت شماری کشور صورت پذیرد، در این صورت خطر بروز این نوع از شوک‌ها بیش از پیش خواهد شد.

### ۴- درجه دولتی بودن اقتصاد<sup>۲</sup>

یکی دیگر از تهدیدهای اقتصادی، بالا بودن بیش از اندازه سهم دولت و درجه دخالت دولت در اقتصاد است. افزایش اندازه دولت می‌تواند منجر به رقابت دولت با بخش خصوصی گردد و رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار دهد. در چنین اقتصادهایی احتمال اینکه تخصیص منابع به درستی صورت نگیرد و صاحبان قدرت از منابع ملی در جهت منافع خود بهره‌برداری کنند، زیاد است. در این شرایط توجه به منافع گروه‌های خاص بیش از پرداخت هزینه جهت آماده‌سازی برای مواجهه با مخاطرات اهمیت پیدا می‌کند. از اینرو قابلیت واکنش به موقع در برابر شوک‌های خارجی در چنین اقتصادهایی کاهش می‌یابد و در نتیجه آسیب‌های جدی به اقتصاد وارد می‌شود.

موارد مذکور عمده‌ترین عواملی هستند که در ادبیات تاب‌آوری به آن توجه ویژه گردیده است. اگر هر کدام از این موارد در یک کشور وجود داشته باشد، احتمال آسیب‌پذیری آن کشور در برابر شوک‌های برون‌زا و تغییرات ایجاد شده افزایش خواهد یافت. بسته به شرایط هر کشور، می‌توان عوامل دیگری را هم به نقاط آسیب‌پذیری اقتصاد آن اضافه نمود. بنابراین هر کشور برای افزایش

<sup>1</sup> Dependence on Strategic Imports

<sup>2</sup> Size of Government

تاب‌آوری اقتصاد خود، در مرحله اول باید نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد خود را مشخص سازد و در جهت رفع آسیب‌ها اقدام نماید.

## اهم شاخص‌های اقتصاد مقاومتی

مقاوم بودن یک اقتصاد در برابر ریسک‌ها و مخاطرات، تابعی از عوامل متعددی است. اهم شاخص‌های ارزیابی میزان مقاومت اقتصادی یک کشور به شرح ذیل است:

### ۱- حکمرانی خوب<sup>۱</sup>

حکمرانی خوب شامل سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آن‌ها، جامعه و نهادهای مدنی، منافع خود را دنبال و حقوق قانونی خود را اجرا می‌کنند. حکمرانی خوب در برگیرنده مولفه‌های چندگانه‌ای شامل حق اظهار نظر و پاسخگویی<sup>۲</sup>، ثبات سیاسی و فقدان خشونت<sup>۳</sup>، اثرگذاری دولت<sup>۴</sup>، کیفیت مقررات<sup>۵</sup>، حاکمیت قانون<sup>۶</sup> و کنترل فساد<sup>۷</sup> است و یکی از شاخص‌های اصلی دستیابی به اقتصادی مقاوم به شمار می‌رود. زمانی که حکمرانی در کشوری ضعیف باشد، شوک‌های جانبی به راحتی می‌توانند منجر به هرج و مرج اقتصادی - اجتماعی و ناآرامی شوند. هرچه یک حکومت قدرتمندتر و دارای اعتبار بالاتری در میان افراد جامعه باشد، به هنگام وقوع شوک‌های برون‌زا از توانایی و آزادی عمل بیشتری برای واکنش به شوک‌ها برخوردار خواهد بود و سیاست‌های آن در رویارویی با شوک‌های برون‌زا اثربخشی بیشتری خواهد داشت.

### ۲- ثبات اقتصاد کلان<sup>۸</sup>

ثبات اقتصاد کلان از الزامات رشد پایدار اقتصادی است. ثبات در اقتصاد که منوط به تعامل و تعادل میان تقاضا و عرضه کل در اقتصاد است، منجر به تاب‌آوری می‌شود. برای سنجش

<sup>۱</sup> Good Governance

<sup>۲</sup> Voice & Accountability

<sup>۳</sup> Political Stability and Absence of Violence

<sup>۴</sup> Government Effectiveness

<sup>۵</sup> Regulatory Quality

<sup>۶</sup> Rule of Law

<sup>۷</sup> Control of Corruption

<sup>۸</sup> Macroeconomic Stability

مقاومت اقتصادی در حوزه ثبات اقتصاد کلان، از شاخص‌هایی نظیر نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی، مجموع نرخ‌های تورم و بیکاری یا شاخص فلاکت و نسبت بدهی‌های خارجی به تولید ناخالص داخلی استفاده می‌گردد.

اگر دولت کسری بودجه بالایی نداشته باشد، از این توانایی برخوردار خواهد بود که مخارج و مالیات‌های خود را متناسب با شوک‌های وارد شده، تعدیل نماید. سطح بالای بیکاری و تورم در کشور سبب می‌شود که کوچک‌ترین شوک برون‌زا، هزینه‌های سنگینی را بر اقتصاد تحمیل نماید و نآرامی‌های اجتماعی نیز به دنبال داشته باشد. درخصوص بدهی‌های خارجی نیز هرچه سطح این بدهی‌ها در یک کشور بیشتر باشد، در این صورت کشور مورد نظر نمی‌تواند منابع را در جهت خنثی کردن شوک‌های خارجی تجهیز نماید.

### ۳- سلامت سیاست‌های پولی و مالی<sup>۱</sup>

سیاست‌های اقتصاد کلان باید معتبر، شفاف و پایدار باشند. اتخاذ سیاست‌های پولی که محرک‌های لازم را برای ثبات قیمت‌ها در بلندمدت فراهم سازند، برای مقابله با تورم‌های حاصل از شوک‌های احتمالی بسیار حیاتی است. علاوه بر سیاست‌های پولی، به‌کارگیری سیاست‌های مالی مناسب نظیر سیاست‌های مالیاتی و تنظیم بودجه کشور به نحوی که منابع درآمدی پایدارتر و ارتقاء انضباط مالی را برای دولت فراهم آورد، توانایی سیاست‌گذاران را برای مقابله با شوک‌های اقتصادی افزایش می‌دهد.

### ۴- سلامت سیستم مالی<sup>۲</sup>

یک سیستم مالی سالم همراه با ریسک پایین، سرمایه‌های معتبر و منابع درآمدی پایدار از الزامات اقتصادی تاب‌آور است و در چنین اقتصادی، بازگشت سریع به حالت اولیه در صورت بروز یک شوک خارجی، سریع‌تر صورت می‌گیرد. سیستم‌های مالی فاسد و تحت نفوذ گروه-هایی خاص، قادر به واکنش‌های مناسب در مقابل بحران‌های احتمالی نخواهد بود و خود منشا بروز بحران هستند.

### ۵- تنوع صادراتی<sup>۳</sup>

همانطور که اشاره شد تکیه بر کالاهای صادراتی محدود می‌تواند اقتصاد را با مخاطره همراه

<sup>1</sup> Monetary and Fiscal Policy Soundness

<sup>2</sup> Financial System Soundness

<sup>3</sup> Export Diversification



سازد و با کوچکترین کاهش تقاضا به دلایل مختلفی نظیر تحریم یا تغییر شرایط بازار، درآمدهای چنین کشوری به شدت تحت تاثیر قرار می‌گیرد. هرچه تنوع محصول صادراتی و مقصد صادراتی بیشتر باشد، در این صورت اقتصاد نیز در برابر شوک‌های خارجی مقاوم‌تر خواهد بود.

## آیا اقتصاد ایران اقتصادی مقاوم و تاب‌آور است؟

کشورها برای داشتن اقتصادی مقاوم و تاب‌آور، باید توانایی مقابله با تهدیدهای پیش رو و دفع شوک‌های برونزا را داشته باشند و از فرصت‌های پیش رو حداکثر بهره‌برداری را نمایند. بررسی وضعیت کنونی اقتصاد ایران حاکی از آن است که نقاط آسیب‌پذیر متعددی در کشور وجود دارد که آن را در معرض شوک‌های ناخواسته قرار می‌دهد و میزان آسیب‌پذیری اقتصاد را از شوک‌های برونزا چندین برابر می‌سازد. نگاهی به شوک‌های قیمتی نفت و افزایش‌های ناگهانی درآمدهای نفتی و نحوه مواجهه سیاستگذاران اقتصادی در برابر این افزایش که در ذات خود مثبت تلقی می‌شد، حاکی از آن است که ما همواره فرصت‌سوزی‌های عدیده‌ای حداقل در این مورد خاص داشته و از این زاویه لطمات جبران‌ناپذیری را تجربه کرده‌ایم.

وضعیت صادرات کشور یکی از نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد به شمار می‌رود. براساس آمارهای بانک مرکزی، در سال ۱۳۹۳ صادرات نفتی حدود ۶۴ درصد از سبد کالای صادراتی کشور را به خود اختصاص داده است. این درحالی است که صادرات غیر نفتی کشور نیز وابستگی زیادی به مشتقات نفت و گاز دارد. به عبارتی بخش عظیمی از محصولات صادراتی کشور متأثر از نفت و گاز است که این مساله آسیب‌پذیری اقتصاد را افزایش می‌دهد؛ شواهد این امر در دوران تحریم نیز مشاهده شد. لذا عدم تنوع صادرات کشور و وابستگی اقتصاد ایران به صادرات نفت، گاز و مشتقات آن، یکی از نقاط آسیب‌پذیر کشور محسوب می‌گردد و هرگونه تحریم خرید نفت یا نوسانات قیمت جهانی، موجب آسیب‌پذیری درآمدهای دولت می‌گردد. درآمدهای نفتی در ایران، علاوه بر تامین بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت، تامین کننده بخش اعظمی از ارز مورد نیاز برای واردات نیز می‌باشد. لذا هر زمان که درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت کاهش یابد، تامین منابع مورد نیاز برای واردات بنگاه‌های تولیدی نیز دچار مشکل می‌شود.

یکی دیگر از مشکلات در حوزه تجارت فرامرزی، محدودیت روابط ایران با سایر کشورها است. در حقیقت محدود بودن شرکای تجاری ایران، یکی دیگر از نقاط آسیب‌پذیر اقتصادمان به

شمار می‌رود که این مسئله سبب کاهش قدرت چانه‌زنی کشور در مقابل شرکای تجاری خود می‌شود. براساس آمار سازمان توسعه تجارت ایران در سال ۱۳۹۴، حدود ۶۶ درصد صادرات غیرنفتی ایران به پنج کشور انجام شده و معادل ۶۶ درصد واردات هم از پنج کشور صورت گرفته که این آمار صحنه‌ای بر ادعای محدود بودن شرکای تجاری ایران است که این مساله باعث آسیب‌پذیری کشور در شرایطی نظیر تحریم خواهد شد.

از طرف دیگر نگاهی به ساختار تجاری کشور طی سال‌های (۱۳۸۰-۱۳۹۰) گویای آن است که در بازه زمانی مذکور، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به طور متوسط با سهمی حدود ۸۰ درصد، قسمت عمده واردات کشور را به خود اختصاص داده بودند اما طی سال‌های اخیر با اعمال تحریم‌ها، واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای کاهش یافت که این امر سبب کاهش تولید کالاهای صنعتی در کشور گردید. بنابراین وابستگی شدید به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای از دیگر نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد ایران است. در جدول (۱) رشد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن و اجزای واردات صنعتی طی سال‌های (۱۳۸۸-۱۳۹۲) نشان داده شده است.

**جدول شماره ۱: مقایسه رشد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن و اجزای واردات صنعتی طی سال‌های (۱۳۸۸-۱۳۹۲)**

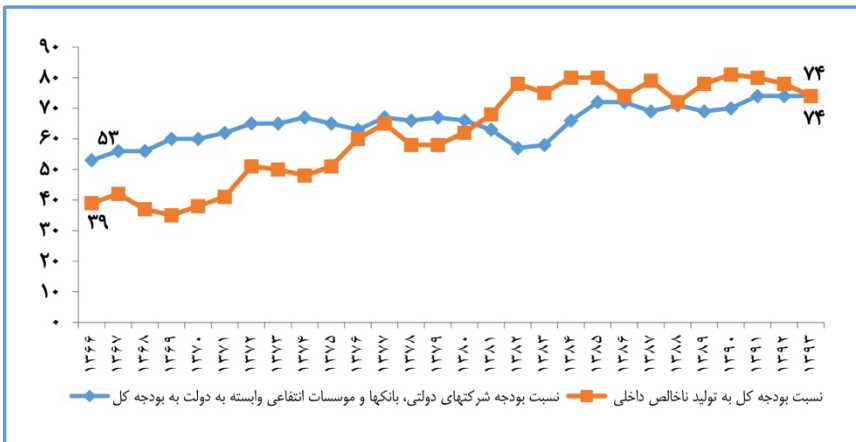
شرح	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲
سهم کالاهای سرمایه‌ای	۳۲،۱	۳۴،۶	۳۵،۲	۳۱،۲	۳۱،۴
سهم کالاهای واسطه‌ای	۳۹،۵	۴۳،۹	۴۳	۴۵	۴۱،۵
سهم مواد خام	۱،۱	۲،۴	۲،۲	۲،۲	۱،۸
سهم مواد مصرفی	۲۷،۲	۱۹،۱	۱۹،۵	۲۱،۵	۲۵،۴
رشد ارزش افزوده صنعت و معدن	۷،۸	۱۱،۱	۶،۴	-۸،۱	-۳،۶

منبع: گزارش "تحلیل ارزش واردات صنعتی ایران طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۰"، مرکز پژوهش‌های مجلس، زمستان ۱۳۹۳

از دیگر نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد ایران می‌توان به بزرگ بودن حجم دولت اشاره داشت. بعد از جنگ تحمیلی، دولت‌ها در پی کاهش حجم تصدی‌های خود اقدام به خصوصی‌سازی کرده‌اند اما همواره بر اندازه دولت افزوده شده است. بررسی بودجه‌های سنواتی کشور طی ۳۰ سال اخیر نشان دهنده آن است که نه تنها تصدی‌گری‌های دولت کاهش نیافته بلکه طی این سال-

ها، افزایش نیز یافته است. همانطور که ذکر شد، رانت و فساد از عوارض اقتصاد با دولتی حجیم است. بررسی شاخص ادراک فساد در سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که ایران در این شاخص دارای نمره ۲۷ از ۱۰۰ (بهترین وضعیت) است و در جایگاه ۱۳۰ در میان ۱۶۸ کشور قرار دارد که بیانگر گستردگی فساد در کشور است. در نمودار (۱) سهم دولت در اقتصاد طی سال‌های (۱۳۹۳-۱۳۶۶) نشان داده شده است.

نمودار شماره ۱: سهم دولت در اقتصاد (درصد)



منبع: قوانین بودجه سالانه و سری‌های زمانی بانک مرکزی

بررسی وضعیت ایران در شاخص حکمرانی به عنوان یکی از مهم‌ترین مولفه‌های تاثیرگذار بر دستیابی به اقتصادی تاب‌آور حاکی از اوضاعی نامساعد است. براساس آخرین آمار بانک جهانی در سال ۲۰۱۴، کشور ایران در زیرشاخص‌های حکمرانی خوب نمره‌های منفی کسب نموده که این امر نشان از ضعف حکمرانی در کشور دارد. در جدول (۲) نمره زیرشاخص‌های حکمرانی خوب برای سال ۲۰۱۴ نشان داده شده است.

**جدول شماره ۲: نمره کشور ایران در زیرشاخص‌های حکمرانی خوب در سال ۲۰۱۴**

نمره [۲,۵، -۲,۵]	زیرشاخص‌های حکمرانی خوب
-۱,۵۷	حق اظهار نظر و پاسخگویی
-۰,۹۱	ثبات سیاسی و فقدان خشونت
-۰,۴۱	اثرگذاری دولت
-۱,۴۶	کیفیت مقررات
-۱,۰۳	حاکمیت قانون
-۰,۵۷	کنترل فساد

Source: [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org)

همانطور که اشاره شد ثبات اقتصاد کلان از دیگر الزامات مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر ضربه‌ها و تکان‌ها می‌باشد. ثبات در سیاست‌های پولی و مالی، ثبات در قوانین و مقررات و پرهیز از اعمال سیاست‌های یک شبه و نسنجیده از جمله مواردی است که به ثبات اقتصادی می‌انجامد. بررسی سیاست‌های مذکور از قبیل سیاست‌های مالیاتی، تعیین نرخ سود بانکی، نوسانات نرخ ارز و تغییر در قوانین و مقررات نشان می‌دهد که این سیاست‌ها در کشور از سلامت لازم برخوردار نمی‌باشند و در بسیاری از موارد بی‌ثباتی در اقتصاد کلان را به دنبال داشته‌اند. طی سال‌های اخیر، وجود شواهدی از قبیل تجربه تورم سالانه ۳۴ درصد، بروز بحران بیکاری، تضعیف ارزش پول ملی به یک سوم و وجود کسری بودجه بالا در کشور، تاییدی بر عدم ثبات اقتصاد کلان کشور هستند.

علاوه بر وجود شواهد داخلی، بررسی گزارش‌های بین‌المللی نیز نشان می‌دهد که اقتصاد کلان کشور از ثبات کافی برخوردار نیست. براساس گزارش رقابت‌پذیری ۲۰۱۶-۲۰۱۵، دو عامل بی‌ثباتی سیاست‌ها و تورم به ترتیب به عنوان دومین و چهارمین مشکل اصلی محیط کسب‌وکار کشور ارزیابی شده‌اند.

از دیگر ارکان لازم برای پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی، وجود سیستم مالی سالم و عاری از فساد است تا اصلی‌ترین وظیفه خود یعنی تامین منابع مالی مورد نیاز بخش حقیقی اقتصاد را به درستی انجام دهد. اما طی سالیان اخیر عواملی نظیر عدم نظارت کافی بر عملکرد بانک‌ها توسط بانک مرکزی، مداخله دولت در امر تخصیص منابع و الزام بانک‌ها به اعطای تسهیلات

با مبالغ هنگفت به اشخاص یا شرکت‌های خاص، الزام بانک‌ها به تضمین قراردادهای فاقد اعتبار کافی، اعطای تسهیلات به بخش‌های غیر مولد با بازدهی‌های بالا و بنگاهداری بانک‌ها، منجر به تخصیص ناکافی منابع به بخش‌های مولد اقتصاد گردیده و بحران نقدینگی را در بخش‌های تولیدی به وجود آورده است.

در مجموع می‌توان گفت با توجه به شاخص‌های مورد بررسی، در حال حاضر اقتصاد ایران آسیب‌پذیر و شکننده است و در صورت بروز بحران‌ها و شوک‌های برونزا، کشور تا حد زیادی در شرایط بحرانی قرار خواهد گرفت. با توجه به تجارب تلخ گذشته، فرصت‌سوزی‌های فراوان و بحران‌هایی که پشت سر گذاشتیم، لازم است حرکت به سوی اقتصاد مقاومتی به طور جدی و دستور کار همه ارکان حکومت قرار گیرد و در سالی که با عنوان "اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل" نامگذاری گردیده است، با رویکردی علمی و با عزمی همگانی به سمت ارتقاء قدرت تاب‌آوری اقتصاد حرکت نماییم.

در پایان به اصلی‌ترین راهکارهایی که هم اکنون برای بالا بردن توان مقاومت اقتصاد کشور، باید به آن‌ها توجه ویژه داشت اشاره می‌گردد. اصلاح ساختار نهادی کشور و قاعده‌گذاری به نفع بخش‌های تولیدی اولین گام در جهت حرکت به سمت اقتصادی مقاوم است. در این راستا باید برنامه‌ای برای شفاف‌سازی و مبارزه با رانت و فساد در دستور کار قرار گیرد. تا زمانیکه بنیه تولیدی کشور تقویت نگردد و قاعده‌گذاری‌ها به نفع بخش‌های غیرمولد باشد، نمی‌توان انتظار داشت که کشور در برابر شوک‌ها، واکنش مناسب نشان دهد. برای دستیابی به این مهم، مشارکت همه ارکان حکومت و همه اقشار جامعه الزامی است و نباید تنها دولت را در این مسیر مسئول دانست.



## فرم ارزیابی بروشور

۱- مفاهیم ارائه شده در بروشور اقتصاد به زبان ساده را تا چه میزان مفید ارزیابی می‌کنید؟

□ عالی □ خوب □ متوسط □ ضعیف

۲- آیا با تهیه نسخه‌های بعدی بروشور موافقید؟

□ بلی □ خیر

۳- پیشنهادات شما برای بهبود نسخه های بعدی بروشور چیست؟

.....

.....

.....

۴- از نظر شما در نسخه های بعدی بروشور، بایستی به معرفی چه متغیرها یا مفاهیم اقتصادی پرداخته شود؟

.....

.....

.....

۵- برگزاری چه دوره‌های آموزشی را برای به‌روزرسانی دانش هیئت نمایندگان محترم پیشنهاد می‌نمایید؟

.....

.....

.....

لطفاً این فرم را پس از تکمیل جدا نموده و به دفتر مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق ایران تحویل فرمایید.







